

## بررسی جایگاه واژه‌های اروپایی در شعر مشروطه و تحولات آن در زبان فارسی

حسن علیزاده، رامین صادقی نژاد\*، مریم محمدزاده

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

سال هفدهم، شماره ششم، شهریور ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۰، صص ۲۵۳-۲۳۵

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7470>

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** از شاخصه‌های سبکی شعر دوره مشروطه، کاربرد واژه‌های اروپایی (فرانسوی، انگلیسی، روسی) است که با عوامل مختلف در شعر شاعران مورد استفاده قرار گرفت و زبان فارسی را تحت تأثیر قرار داد. در این مقاله با هدف بررسی جایگاه، تغییرات و تحولات این واژه‌ها و تأثیر آنها بر زبان فارسی، اشعار شاعران جریان مشروطه بررسی شده است.

**روش مطالعه:** گردآوری اطلاعات مقاله با مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده و نگارش آن به روش توصیفی تحلیلی میباشد. جامعه آماری تحقیق شامل اشعار ده شاعر برجسته دوره مشروطه است و از منظر سبک‌شناسی واژه، واژه‌های اروپایی در شعرشان بررسی شده است.

**یافته‌ها:** در جریان شعر مشروطه، به طور تقریبی از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۰ ش. واژه‌های اروپایی شاخصه سبکی یافته‌اند و در دیوان همه شاعران دیده میشوند. فراوانی این واژه‌ها در واژه‌های خاص مربوط به اسامی اشخاص، مکانها، القاب و اصطلاحات روزمره، واژه‌های مربوط به حوزه سیاست، امور نظامی و اقتصادی، واژه‌های مربوط به حوزه فرهنگ و زندگی اجتماعی میباشد. شاعران به دلایل مختلفی از جمله: ایجاد مضمون تازه، ضرورت کاربرد واژه در نبود معادل فارسی، علاقه به کاربرد واژه با وجود واژه معادل، تصنع و تجددخواهی، از واژه‌ها در محتوای سیاسی، اجتماعی، غنایی استفاده کردند. برخی شاعران نیز به کاربرد واژه‌ها بی‌علاقه بودند. این واژه‌ها در مقایسه با معادل‌های فارسی با ترجمه لفظی هم‌زمان با معادل فارسی استفاده شدند و در مواردی معادل فارسی یا عربی فراوانی بیشتری یافته است. تحولات این واژه‌ها بعد از دوره مشروطه به سه صورت دیده میشود: ۱. واژه‌ها با تغییر مضمونی و معادل‌سازی از زبان فارسی حذف شدند ۲. مواردی با تغییر جزئی مورد استفاده قرار گرفتند. ۳. اغلب واژه‌های ساده که در حوزه فرهنگ و زندگی اجتماعی مردم بودند ماندگار شدند و امروزه رایج هستند.

**نتیجه‌گیری:** واژه‌های اروپایی در حوزه سیاست، امور نظامی، اجتماع، فرهنگ، اقتصاد به دلایل مختلفی از جمله تجددخواهی، ضرورت کاربرد، زیبایی‌سازی، در شعر شاعران مشروطه آمده است. تحولات آنها بعد از مشروطه به سه گونه: متروک شدن بعد از مشروطه، معادل‌سازی با واژه‌های فارسی و تثبیت شدن در ساختار فارسی میباشد.

تاریخ دریافت: ۲۰ آبان ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۲۲ آذر ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۰ دی ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۱ بهمن ۱۴۰۲

#### کلمات کلیدی:

شعر مشروطه، واژه، اروپایی، معادل، تحول.

\* نویسنده مسئول:

[r-sadeghinezhad@iauh.ac.ir](mailto:r-sadeghinezhad@iauh.ac.ir)

۴۴۲۳۹۷۸۱ (۰۹۸ ۴۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis of European words in constitutional poetry and its developments in Persian language

H. Alizadeh, R. Sadeghinejad\*, M. Mohammadzadeh

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 11 November 2023

Reviewed: 13 December 2023

Revised: 31 December 2023

Accepted: 10 February 2024

KEYWORDS

constitutional poetry, word, European, equivalent, transformation.

\*Corresponding Author

[r-sadeghinezhad@iauh.ac.ir](mailto:r-sadeghinezhad@iauh.ac.ir)

(+98 41) 44239781

ABSTRACT

**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Context and purpose: one of the stylistic attributes of constitutional period poetry is the use of European words (French, English, Russian) which were used by different factors in poets' poetry. and influenced the Persian language. In this article, with the aim of investigating the position, changes and evolutions of these words and their influence on the Persian language, the poems of the poets of the constitutional Current have been analyzed.

**METHODOLOGY:** The collection of article information was done in a library manner and it was written with a descriptive and analytical approach. The statistical population of the research includes the poems of ten prominent poets of the constitutional period, and European words have been examined in their poems from the point of view of word stylistics.

**FINDINGS:** In the course of constitutional poetry, approximately from 1285 to 1300 AD, European words have become a stylistic feature and can be seen in the Diwan of all poets. The Frequency of these words in special words related to the names of persons, places, Epithet and everyday terms (Idiom), words related to the field of politics, military and economic affairs, words related to the field of culture and social life. Poets used words in political, social, and lyrical content for various reasons, such as: creating a new theme, the necessity of using the word in the absence of a Persian equivalent, interest in using the word despite the existence of an equivalent word, artificiality and modernism. Compared to Persian equivalents, these words were used with translation at the same time as Persian equivalents, and in some cases, Persian or Arabic equivalents are more common. The evolution of these words after the constitutional period can be seen in three ways: 1- The words were removed from the Persian language with a change in theme and equivalence, 2- Some were used with a slight change. 3- Most of the words that were in the field of culture and social life of the people remained and are common today.

**CONCLUSION:** European words are used in the fields of politics, military, society, culture, and economy for various reasons, modernism, the necessity of application, and beautification, in the poetry of constitutional poets. Their developments after the constitution are of three types: abandonment after the constitution, equalization with Persian words and stabilization in the Persian structure.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7470>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 22	 0	 0

## مقدمه

با گسترش روابط ایران و غرب، ترجمه آثار اروپایی، بازگشت تحصیل‌کردگان فرنگ به ایران، آمدن اروپاییان به ایران واژه‌های اروپایی که آن زمان واژه‌های فرنگی نامیده میشد به فارسی راه یافت (زمردیان، ۱۳۷۳: ۹). بعد از انقلاب مشروطه نیز واژه‌های اروپایی خواسته یا ناخواسته وارد زبان شاعران شد (آژند، ۱۳۸۴: ۷۳). حضور این واژه‌ها با شرایط اجتماعی جامعه آن روز و تحول ادبی، یک امر ضروری بود. علاوه بر اینکه بنا به دلیل اجتماعی بودن زبان، به طور قطع تغییرات جامعه بر آن تأثیر می‌گذارد، بسیاری از روشنفکران به عمد از واژه‌های فرنگی استفاده کردند و خود به خود واژه در جامعه رواج یافت. با رواج این واژه‌ها، شاعران با دیدگاه‌های مختلف از آن استفاده کرده‌اند چنانکه در سبک‌شناسی شعر این دوره باید گفت، واژه‌های اروپایی بخش مهمی از واژه‌های شعری را تشکیل می‌دهند. بعد از مشروطه این واژه‌ها در اشعار شاعران شاخصه سبکی نیافت اما برخی در ساختار زبان فارسی ماندگار شد. در این مقاله جایگاه این واژه‌ها در مقابل واژه‌های فارسی، نگرش شاعران و سیر تحول واژه‌ها بعد از مشروطه با تکیه بر اشعار شاعران تحلیل شده است. جامعه آماری شامل شعر ده شاعر برجسته این دوره میباشد که عبارتند از:

ادیب پیشاوری (۱۲۶۰ ق، ۱۳۰۹ ش) ادیب نیشابوری (۱۲۸۱ ق، ۱۳۰۵ ش) وحید دستگردی (۱۲۵۸-۱۳۲۱)، ایرج میرزا (۱۲۵۳-۱۳۰۴ ش) فرخی یزدی (۱۲۶۸-۱۳۱۸ ش) محمدتقی بهار (۱۲۶۵-۱۳۳۰) اشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال) (۱۲۸۷-۱۳۱۳ ش) تهران) عارف قزوینی (۱۲۵۹-۱۳۱۲ ش) میرزاده عشقی (۱۲۷۳-۱۳۰۳)، ابوالقاسم لاهوتی (۱۲۶۴-۱۳۳۶)

فعالیت اصلی این شاعران در دوره مشروطه بوده است و شاعری آنها مصادف با تحول شعر فارسی است. واژه‌های اروپایی در شعر همه آنها دیده میشود اما هرکدام از آنها با نگرش خاص خود به تحولات زمانه نگریسته‌اند و تفاوت‌های سبکی دارند.

در بررسی شعر این شاعران، سؤال‌های تحقیق در ارتباط با موضوع مقاله در موارد زیر است

۱ نگرش شاعران به کاربرد واژه‌های اروپایی چگونه است؟

۲ جایگاه واژه‌های اروپایی در دیوان شاعران در مقایسه با معادل‌های فارسی چگونه است؟

۳ تحولات واژه‌های اروپایی با توجه به دیوان شاعران چگونه است؟

## پشینه تحقیق

بررسی واژه‌های شعر مشروطه، موضوعی است که در کتابهای مختلف و آثار پژوهشی متعدد در مورد آن بحث شده است. از جمله شفیع‌کدکنی در کتاب «ادوار شعر فارسی»، آریز پور در کتاب «از صبا تا نیما»، امین‌پور در کتاب «سنت و نوآوری در شعر معاصر»، علی‌پور در کتاب «ساختار زبان شعر امروز»، لنگرودی در کتاب «تاریخ تحلیلی شعر نو» در بررسی اشعار شاعران و دوره بررسی کرده‌اند یا در کتابهایی که در مورد جریان‌شناسی شعر معاصر نوشته شده‌اند، مورد توجه قرار گرفته است. در بخش رساله و مقاله نیز پژوهش‌هایی متعدد در موضوع کلی بررسی اشعار هستند که در بخشی به زبان شعر شاعران پرداخته‌اند و بی‌شک کاربرد واژه‌های فرنگی را بررسی کرده‌اند. از جمله فریدون وحیدا (۱۳۸۸) مقاله «راهیابی واژه‌های خارجی (فرنگی) به زبان و شعر فارسی در عصر انقلاب مشروطه» در پژوهشنامه ادب تعلیمی، چاپ کرده است. ذاکری (۱۳۷۷) رساله «واژه‌های دخیل فرنگی در شعر مشروطه و اندیشه‌های شاعری نو» را در دانشگاه شیراز دفاع کرده است. در بررسی واژه‌های شاعران، در

مطالعات سبک‌شناسی به واژه‌های اروپایی توجه شده است، از جمله محمدی (۱۳۸۳) کتاب «فرهنگ لغات و اصطلاحات اشعار فرخی یزدی» را چاپ کرده است، محبوبی‌زاده (۱۴۰۰) مقاله «کاربرد ادبی واژگان فرنگی در شعر میرزاده عشقی» را در همایش پژوهش‌های نوین زبان و ادبیات فارسی ارائه کرده است. در ارتباط با واژه‌های اروپایی در زبان فارسی، مشیری (۱۳۷۱) کتاب «فرهنگ واژه‌های اروپایی در فارسی» زمردیان (۱۳۷۳) کتاب «فرهنگ واژه‌های دخیل اروپایی در فارسی (همراه با ریشه هر واژه)» و شهیدی (۱۳۷۶) کتاب «فرهنگ واژه‌های اروپایی در زبان فارسی» را چاپ کرده‌اند. قاسمی، ستاری (۱۳۸۹) مقاله «مهمترین عوامل و دوره‌های ورود واژگان قرضی در زبان فارسی و طبقه‌بندی معنایی آنها» را در نشریه اندیشه‌های ادبی چاپ کرده‌اند. در این پژوهش‌ها حضور واژه‌های فرنگی و بسامد آنها بررسی شده است اما به بررسی جایگاه آنها در شعر مشروطه، درمقایسه با معادل‌های فارسی و عربی، نگرش شاعران و سیر تحول‌شان توجهی نشده است. ضرورت تحقیق حاضر در بررسی تحولات واژه‌ها و تأثیرشان بر زبان فارسی است که در مطالعات انجام شده، مورد توجه قرار نگرفته است لذا این مقاله با هدف بررسی تحولات واژه‌های اروپایی و جایگاه آنها در زبان فارسی با تکیه شعر ده شاعر نوشته شده است.

## بحث و بررسی

### شعر مشروطه و واژه‌های اروپایی

از دیدگاه سبک‌شناسی، واژه‌های اروپایی قبل از دوره مشروطه در شعر وارد شده بودند. به گفته شفیع‌کدکنی اولین بار در آثار منظوم میرزاابوطالب، نویسنده مسیر طالبی (سال تقریبی سفرنامه ۱۲۱۹ق) استفاده شد (شفیعی - کدکنی، ۱۳۷۸: ۷۵) در سبک بازگشت نیز به صورت انگشت‌شمار دیده می‌شود اما بعد از انقلاب مشروطه، کاربرد گسترده یافتند. انقلاب مشروطه، سرآغاز مهمی بود که واژه‌های اروپایی به سهولت در زبان فارسی وارد شدند. شاعران نیز با کاربرد این واژه‌ها، راه را برای حضور واژه‌ها در ساختار زبان فارسی باز کردند. از نظر فراوانی زبانی، بیشتر این واژه‌ها از زبان فرانسه وارد شدند اما علاوه بر زبان فرانسه، فراوانی واژه‌های روسی و انگلیسی دیده می‌شود، واژه‌های آلمانی، پرتغالی، اسپانیایی نیز استفاده شده است. واژه‌های مربوط به حوزه سیاست بیشترین فراوانی را دارند، بعد از آن واژه‌های مربوط به حوزه فرهنگ و زندگی اجتماعی، اقتصاد و امور نظامی بیشتر کاربرد یافتند. از نظر دوره زمانی، بیشترین کاربرد واژه‌ها در شعر، از سال ۱۳۸۵ شمسی تا ۱۳۰۰ در جریان شعر مشروطه می‌باشد و بعد از آن طبق مطالعه اشعار شاعران، بسامد کمتری یافته است. هیچ شاعری نیست که بتوان گفت در این دوره زیسته و از این واژه‌ها استفاده نکرده باشد اما میزان کاربرد واژه‌ها در دیوانها متغیر است. نگرش شاعران را میتوان به سه صورت دید.

۱ عدم تمایل به کاربرد واژه

۲ استفاده از واژه برای تجددخواهی، تصنع، نبود واژه فارسی و یا اهداف شخصی

۳ کاربرد متعادل واژه طبق تحولات سبکی.

از شاعران ادیب پیشاوری، ادیب نیشابوری، عارف قزوینی کمترین استفاده را از این واژه‌ها دارند و واژه‌هایی که در دیوان آنها آمده، ساده می‌باشند اما در مقابل آنها فرخی یزدی، دستگردی، لاهوتی، فراهانی از واژه‌های دشوار، اسامی و القاب با ترجمه لفظی استفاده کرده‌اند. حتی ادیب‌الممالک، در دیوانش در بخش «پیوست فرهنگ پارسی» مفردات واژه‌های فرانسوی را در ابیاتی به صورت فرهنگ پارسی فرانسوی سروده و آنها را معرفی کرده است.

(فراهانی، ۱۳۸۶: ۱۰۸۷۱۰۹۵) در شعر ایرج میرزا، نسیم شمال، عشقی و بهار واژه‌های دشوار اندک است و با فراوانی کمتری نسبت به این چهار نفر دیده میشود.

از نظر محتوا نیز کاربرد واژه‌ها در محتوای سیاسی اجتماعی فراوانی بیشتری نسبت به محتوای غنایی دارند. دلیل اصلی نیز این است که با وقوع مشروطه و توجه شاعران به مضامین مشروطه، ناگزیر با مضمون جدید، واژه‌های مختلفی لازم شد که در ساختار زبان فارسی نبود و شاعران به دلایلی از جمله نبود واژه مناسب در فارسی، علاقه به کاربرد واژه در هیجان مضمون جدید، کاربرد عمدی واژه برای نشان دادن مهارت زبانی، عدم آگاهی و ضعف زبانی از این واژه‌ها استفاده کردند.

حسن و قبح حضور واژه‌ها در شعر این دوره نیز مورد نقد اغلب محققان قرار گرفته است. آرینپور از آن با عنوان آزادی حضور واژه‌ها و تجدد یاد کرده و گفته است شاعران این واژه‌ها را یا مستقیماً یا از طریق ادبیات ترک از زبان‌های فرنگی گرفته و بجا و بیجا به زبان فارسی وارد کردند و خیلها آن را تجدد محسوب میکردند در حالیکه هیچ تازگی در این اشعار دیده نمیشود (آرینپور، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۲۲) آژند نوشته است «کاربرد واژگان و تعبیر عامیانه و فرنگیانه، شعر مشروطه را از تجربه‌های شعری محروم ساخت.» (آژند، ۱۳۸۴: ۷۷) امینپور حضور این واژه‌ها را به دلیل اینکه سنجیده وارد زبان نشدند، نوعی ابهام و دوگانه‌نویسی معرفی کرده است «ترکیبات ناموزون، ناهماهنگ و ناهمخوان، لغات و اصطلاحات قدیم و جدید فارسی و بیگانه، بدون ویرایش و پیرایش که وارد نظم و نثر شد، این نوشتار را دچار نوعی ابهام و دوگانه‌نویسی کرد و متن را از سره‌نویسی؛ خارج نمود» (امینپور، ۱۳۸۴: ۳۰۸-۳۰۹). شفیع کدکنی منتقد کسانی است که در کاربرد این واژه‌ها اعتدال را رعایت نکرده‌اند «زبان شعر مشروطه، اندکاندک به زبان کوچه نزدیک میشود و واژگان اروپایی را کم کم به خودش راه میدهد، اما بعضیها ادا در می‌آورند و کلمات خارجی را بی‌آنکه نیازی به آنها داشته باشند در شعر می‌چپانند لیکن بعضیها آنها را به اعتدال به کار می‌برند» (شفیع کدکنی، ۱۳۸۳: ۴۰) اکنون که بیش از یک قرن از شعر مشروطه می‌گذرد، تأمل در واژه‌ها و جایگاه آنها در دیوان شاعران جای بررسی دارد. این واژه‌ها بعد از مشروطه، شاخصه سبکی در شعر نیافتند اما اغلب آنها در زبان فارسی ماندگار شدند. جایگاه و سیر تحولات واژه‌ها در مؤلفه‌های زیر بررسی شده است.

### جایگاه واژه‌ها در دیوان شاعران در مقایسه با معادلهای فارسی

وقتی با تحول سیاسی اجتماعی جامعه در انقلاب مشروطه، واژه‌ها وارد جامعه شدند؛ برخی ترجمه شدند، برخی معادل فارسی داشتند اما برخی ناشناخته بودند. حضور این واژه‌ها همه شاعران را تحت تأثیر قرار داد و هرکدام با نگرش شاعرانه و سبک خاص خود به واژه‌ها واکنش نشان دادند. حاصل بررسی شعر ده شاعر در موارد زیر قابل بیان است.

### توجه به زبان کلاسیک و عدم علاقه به کاربرد واژه‌ها

از منظر سبکی از شاعران این دوره، ادیب پیشاوری و ادیب نیشابوری جزو شاعرانی هستند که در کاربرد این واژه‌ها مقاومت کرده‌اند. دلایلی از جمله توجه عمیق آنها به ساختمان زبان شعر کلاسیک، عدم علاقه به سبک زمانه، عدم توجه به شعر اجتماعی مانع آن شد که در برابر تجدد مضمون و زبان نو، همرنگ جماعت مشروطه‌خواهان شوند هرچند با مشروطه‌خواهان نیز ارتباط داشتند. برای نمونه پیشاوری در ابیات زیر در موضوع جنگ جهانی، هواپیمای جنگی را توصیف میکند اما در نامگذاری آن، واژه «روپینه شاهینها» را به استعاره آورده است. حتی

واژه‌های فرنگ، توپ، تفنگ که آن زمان جزو واژه‌های پرکاربرد بود به رسم‌الخط عربی، فرنج، توف و تفنج نوشته است.

رویینه شاهین‌ها نگر با آتشین چنگالها      گسترده اندر باختر پره‌ای کین و بالها  
 بگشاده از منقارها برسان دوزخ غارها      وز غار جسته مارها تفتیده دم و یالها  
 پیکارجویان فرنج پیموده در کین راه رنج      وز کوه با توف و تفنج انگیخته زلزال‌ها  
 (پیشاوری، ۱۳۶۲: ۸)

شاگرد ادیب پیشاوری زمانی که ادیب این قصیده را میسراید به او میگوید در این زمانه این شعر را از هزاران نفر یک نفر بیشتر نخواهد فهمید، ادیب در جواب او می‌گوید من این شعر را برای همان یک نفر گفته‌ام (همان: مقدمه: ۱۲) سبک ادیب نیشابوری نیز چنین است او «هرگز این اجازه را به خود نمیداده که بر خلاف بسیاری از معاصران خود پا از حیطة سنتهای ادبی سبک خراسانی بیرون گذارد و چیزی بگوید در مقابل سنتها» (ادیب نیشابوری، ۱۳۶۷: ۹۵) فراوانی واژه‌های فرنگی در شعرشان اندک است و در مقایسه با شاعران دیگر، آنها جزو شاعرانی قرار میگیرند که به کاربرد واژه فرنگی بی‌اهمیت شده‌اند. در کاربرد محدود واژه‌ها نیز، واژه‌های دشوار و ترجمه لفظی که باعث سستی زبان شود، در شعرشان کمتر است و از واژه‌هایی استفاده کرده‌اند که ساده میباشند و امروزه نیز رایج هستند. پیشاوری در ابیات زیر در توصیف جنگ جهانی، واژه «سوپ» را آورده است. اسامی خاص «کروپ: کارخانه توپ‌ریزی آلمان» و «آنورس نام شهری در فرانسه» را به اقتضای محتوا آورده است.

قیصر خورشیدکلاه اروپ      توپ فلک‌کوب ز کوره کروپ  
 بست برآنورس و ز هرآی توپ      زهر هزیمت عوض جام سوپ  
 (پیشاوری، ۱۳۶۲: ۱۷۹)

نیشابوری در ابیات زیر در نقد حکومت واژه «رژیم» را به کار برده است

با چنین کشور بی‌لشکر بی‌زر، باری      کوشش مرد خردمند عقیم است عقیم  
 مکن آبادی و آزادی ایران باور      گر چنین است رژیم و چنان‌ست رژیم  
 (ادیب نیشابوری، ۱۳۶۷: ۲۰۱)

### علاقه شاعران به کاربرد واژه‌ها با وجود معادل فارسی

با توجه به دیوان شاعران چگونگی کاربرد و انتخاب واژه‌ها متغیر است «برخی شاعران از سر نیاز به این اصطلاحات تمسک می‌جستند و برخی نیز اینکار را با تصنع انجام میدادند (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۸: ۷۶) این واژه‌ها به سه صورت در دیوانها دیده میشود.

۱ در مواردی با وجود داشتن ترجمه فارسی و یا معادل فارسی به عمد از ترجمه لفظی استفاده کردند.

۲ در مواردی واژه‌های خاص مثل القاب و درجه‌های نظامی و اشرافی هستند که به همان صورت وارد شعر شد ولی بعدها معادل فارسی برای آن تصویب گردید.

۳ در مواردی واژه با نبود معادل دقیق و روشن به همان صورت استفاده میشود.

در کاربرد عمدی واژه‌ها، برخی واژه‌های ثقیل و دشوار که در اوایل مشروطه به فارسی ترجمه شده بودند و یا معادل فارسی داشتند، در شعر برخی شاعران مورد توجه قرار گرفت که لازم و ضروری نبود. مثل واژه «مشروطیت» که برخی شاعران، آن را با ترجمه لفظی «کنستی‌توسیون» به کار برده‌اند. خود واژه «مشروطه» و «مشروطیت» در این دوره در زبان فارسی به کار رفت که در ابتدا خیلیها معنی آن را نمیدانستند. در مورد ریشه آن گفته شده

ترجمه از کلمه «*Constitutionalis*» می‌باشد که در حالت قیدی به قانون اساسی تعبیر شده است و «ثیت» پسوند عربی است که به آن اضافه شده است. محققان معتقدند در آن زمان این واژه از عثمانی به ایران آمد. قبل از انقلاب این واژه در ساختار زبان فارسی وارد شده بود اما وقتی محمدعلی شاه در سال ۱۲۸۵ شمسی (۱۹۰۷ میلادی) این واژه را استفاده کرد (جداری کریمیان) شاعران نیز به سرعت آن را در شعر به کار بردند. چنانکه این واژه در شعر این دوره، یک واژه کلیدی شد. در کنار کاربرد واژه «مشروطه» و «مشروطیت» ترجمه لفظی آن نیز استفاده شد. فرخی یزدی جزو این شاعران است که آن را با ترجمه لفظی «کنستی‌توسیون» به کار برده است. مانند ابیات زیر

ز کُنتی توسیون ایران تا گلشن است تا به اروپا مدام نام خط آهن است  
(فرخی یزدی، ۱۳۸۰: ۲۶۵)

گُند مستبدانه کار و نداند بود مملکت کُنستی توسیونی  
(همان: ۲۵۲)

در بیت زیر «آرگنزیسیون» به معنی سازمان، «کسپوزیسیون» در معنی نمایشگاه به همان صورت خارجی استفاده کرده است.

ناز به بازار حُسن به اِکسپوزیسیون ساز بساط طرب به آرگنزیسیون  
(همان: ۲۶۳)

ادیب‌الممالک فراهانی هم از واژه‌های اروپایی با ترجمه لفظی استفاده بسیار کرده است. «دیموکرات» (آزادی‌خواه) و «اریستوکرات» (طرفدار اشراف) را در بیت زیر به کار برده است. واژه «دموکرات» در حال حاضر نیز رایج است اما «اریستوکرات» متروک شده است.

یونان برغم نامه و اشراف ساختند دیموکرات را و اریستوکرات را  
(فراهانی، ۱۳۸۶: ۲۲)

در بیت زیر کلمه «انتروگایتف» به معنی «علامت پرسشی» و «ویرگول» آورده است. واژه ویرگول امروزه رایج است اما انتروگایتف استفاده نمی‌شود.

چنانکه انتروگایتف بزیر دو ویرگول بهیئت افقی بر فراز یک سیلاب  
(همان: ۹۷)

لاهوتی واژه روسی «کالخوز» در معنی مزرعه اشتراکی را در بیت زیر به کار برده است.

کز شرح ترقیات شورا قانع به همین شده که تنها  
گویند فلان سرا بنا شد با کالخوز تازه‌ای بپا شد  
(لاهوتی، ۱۳۵۷: ۱۷۶)

ایرج میرزا واژه «انسپکتر» را در معنای «مفتش» و واژه «ژانرال» (نام یک درجه نظامی) را در بیت زیر به کار برده است.

پیش خود فکر به حالم کردند انسپکتر ژنرالم کردند  
(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲۳)

عشقی در بیت زیر واژه «انژکیسون» (تزریق) را به کار برده است.

- غصه نخور میزنم انژکسیون زنده شود لیک به حال جنون  
(عشقی، ۱۳۵۷: ۲۸۳)
- برخی از این واژه‌ها با همان ترجمه لفظی در ساختار زبان فارسی ماندند از جمله واژه فراکسیون (دسته‌ای از اعضای یک حزب)، کمیسیون (گروه و هیأت)، دموکرات (آزادی‌خواه)، دموکراسی (آزادی) که در اشعار شاعران تکرار شده است. مانند نمونه‌های زیر
- به مجلس آمد یار از فراکسیون عجب آنک به هیچ کار بجز قتل من اراده نکرد  
(قزوینی، ۱۳۸۱: ۹۴)
- صحبت کابینه و کمیسیون را موقوف دار آنکه ما را زین سخنها تنگ گردد حوصله  
(فراهانی، ۱۳۸۶: ۳۹۵)
- من نه در دام دموکرات به خود افتادم که فکندند رفیقانم با دوز و کلک  
(دستگردی، ۱۳۰۷: ۱۲۳)
- اختر سعد دموکراسی ز مغرب بردمید پرتو آن اختر از مغرب سوی مشرق کشید  
(بهار، ۱۳۸۷: ۹۱)
- گرچه من بودم مبعوث دموکرات ولی بی سبب ممت او گشت گلاویز مرا  
(بهار، ۱۳۸۷: ۳۰۶)
- ای دموکرات بت با شرف نوع پرست که طرفداری ما رنجبران خوی تو هست  
(فرّخی یزدی، ۱۳۸۰: ۲۷۱)
- مرا عقیده پیرار و پارسالی نیست خیال رویدمکرات و اعتدالی نیست  
(قزوینی، ۱۳۸۱: ۱۳۹)
- برخی واژه‌ها با وجود داشتن واژه معادل فارسی مورد علاقه شاعران قرار گرفتند مثل واژه «کابینه» که «هیأت دولت» در آن زمان استفاده میشد ولی فراوانی واژه کابینه بیشتر بود.
- میشود برقرار کابینه مزین اینقدر بر سر و سینه  
(گیلانی، ۱۳۷۵: ۴۰۰)
- این صاحب کابینه و آن والی تبریز صدری که چنین است چنانند حواشی  
(بهار، ۱۳۸۷: ۲۷۱)
- گر هادی ما ز جهل گمراه نبود گمراهی او در همه افواه نبود  
کابینه نمیشد متزلزل هرگز گر لیدر خودپسند خودخواه نبود  
(فرّخی یزدی، ۱۳۸۰: ۳۵۹-۳۶۰)
- که ننگیده و نشانده فرو کینه تو ناگهان سر برسد دوره کابینه تو  
(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۲۱۶)
- عشقی «هیأت دولت» را استفاده کرده است.  
که عارف قزوینی‌اش این گفت که دانم  
ز چه ز تو بر هیأت دولت کمکی شد  
(عشقی، ۱۳۵۷: ۴۵۰)



خانه هیأت دولت چندی است شده با خانه تو خانه یکی  
(قزوینی، ۱۳۸۱: ۹۸)

همچنین عارف در بیت زیر هیأت را با کابینه آورده است

شده است هیأت کابینه، تکیه دولت که شمر دیروز امروز میشود مختار  
(همان: ۱۱۳)

واژه «پلتیک» هم در این دوره با ترجمه لفظی فراوانی یافت در حالیکه واژه عربی «سیاست» در معادل آن استفاده میشود و امروز رواج دارد.

آن خون این مکد ز ره پلتیک این جان آن کند به ره یاسا  
(بهار، ۱۳۸۷: ۲۲۰)

نفاق و مکر به نام سیاست و پلتیک تُراست ورد زبان روز و شب که بادا لال  
(دستگردی، ۱۳۰۷: ۲۴)

کاندر پلتیک هم در ایران زین پس نکنند هیچ اهمال  
(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۹۲)

یا واژه «پارلمان» با وجود فراوانی واژه «مجلس» به این معنا در این دوره استفاده شد. در میان شاعران تحقیق، این واژه در شعر نسیم شمال فراوانی دارد که گاه هر دو واژه را باهم در یک بیت به کار برده است.

باز این مجلس گیر شرفی پارلمان بسته حناها به کفی  
(گیلانی، ۱۳۷۵: ۵۹۳)

به جانب پارلمان چون وکلا آمدند جان و تن خویش را کرده فدا آمدند  
(همان: ۴۸۷)

موارد دیگر: (۶۴، ۴۰۸، ۴۲۴/۴۲۳، ۴۲۵، ۴۴۷، ۵۲۴)

برخی واژه‌ها جزو واژه‌های توصیف اشخاص و اماکن و مکتب‌های فکری، درجات نظامی، القاب و عنوانین بودند مثل واژه «تزار» که لقب پادشاهان روسیه بود. واژه «لُرد»، «بورژوازی» که لقب اشراف‌زادگان بود، واژه «لبرال» که لقب آزادی‌خواهان بود یا واژه‌هایی مثل «فراماسون»، «بلشویک»، «منشویک»، «فاشیسم»، «سوسیال» که نام احزاب و انجمنهایی با محتوای خاص بودند، به اقتضای مضمون متداول شدند مانند موارد زیر

بلشویک آسا با مال و دل و دین به جدال تیغ افراشته بر خواجه و لرد و لبرال  
(دستگردی، ۱۳۰۷: ۱۵۶)

تا جدا باشد به مسلک بلشویک و منشویک تا دو تا باشد به مذهب شافعی از حنبلی  
(بهار، ۱۳۸۷: ۲۶۷)

گه اعتدال و گه رادیکال گاه سوسیال بدتر از آن زنیست که هفتاد شو گرفت  
(میرزاده عشقی، ۱۳۵۷: ۴۱۷)

بهر و ما و بورژوازی زان سبب نامست و ننگ کو برای جنگ می‌جنگد و ما بر ضد جنگ  
(لاهورتی، ۱۳۵۷: ۱۲۱)

واژه‌های مربوط به احزاب و اسامی و القاب اروپایی و روسی در شعر لاهوتی به اقتضای محتوا فراوانی دارد (همان: ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۷۹ و ...)

علاوه بر حوزه سیاست که در محتوای سیاسی اجتماعی، واژه‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی با ترجمه لفظی استفاده شد، در محتوای غنایی نیز این واژه‌ها فراوانی یافت. با وجود اینکه، معادل مشخص در زبان فارسی داشتند، شاعران به دلایل متعدد مثل تفنن ادبی، توصیف افراد خارجی، تشخیص زبانی، رایج شدن واژه در جامعه از آن استفاده کردند.

از جمله واژه‌های مربوط به القاب اشخاص و اصطلاحات معمولی مثل «مسیو»، «مستر»، «سر»، «مادام»، «مادمازل»، اصطلاحات بنژو (صبح بخیر)، بنسور (شب بخیر) در این دوره دیده می‌شود. نسیم شمال در شعر «بنژوور مسیو یعنی روز شما بخیر آی» با طنز خطاب به یک فرد پارسی سخنان طنزآمیز در محتوای سیاسی اجتماعی گفته است (گیلانی، ۱۳۷۵: ۳۷۶) شعر «بون سوآر یعنی شب بخیر» را در وصف و تمجید خودش سروده است (همان: ۲۰۴) یا مادام (همان: ۲۲۶)، مادمازول (همان: ۲۲۳) را در توصیف زنان به کار برده است.

دستگردی شعری به نام «بن ژور مسیو پاکه» دارد که در توصیف فردی به نام «پاکه» اهل بلژیک است که بعد از شوستر امریکایی به ریاست مالیه اصفهان منصوب شد. در کل شعر، او را با عنوان «مسیو پاکه» خطاب کرده است. بن ژور مسیو پاکه که خوش کردی اداره مالیه این شهر به دستور دوباره (دستگردی، ۱۳۰۷: ۹۹)

برخی واژه‌ها به عنوان نشانه‌های فرنگی در شعر آمده است، کلمه «کراوات و فکل» جزو این واژه‌ها هستند. نسیم شمال در بیت زیر در نقد اجتماعی و غرب‌گرایی مردم گفته است.

عصر برو در طرف لاله‌زار  
آن فُکلیهای خیابان نگر  
(گیلانی، ۱۳۷۵: ۳۸۸)

در کشور ایران متمایل به فرنگیم  
عاشق به کراوات و فُکلهای قشنگیم  
(همان: ۵۳۵)

(موارد دیگر: ۱۱۹، ۱۸۷، ۱۹۱، ۲۰۴)

یا در بیت زیر در نقد ریش‌تراشی اروپاییها با خطاب «موسیو» گفته است.

شیخکی دیدم در منزل خان موسیو  
ریش خود کرده به ماشین و به مقرض درو  
(همان: ۳۶۸)

در مواردی شاعران از واژه‌های فرنگی برای زیبایی‌سازی شعر و تشخیص زبانی استفاده کرده‌اند. مثل واژه «مادام» که در فارسی به معنی همیشه است ولی واژه فرانسوی در معنی خانم است. در بیت زیر، ادیب‌الممالک با کلمه «مادام»، و واژه «کد و مد» جناس ساخته است. وحید دستگیری کلمه «مادام» را با ایهام آورده است.

گفتم این گه‌گاه شد یا هست مادام الحیاتش  
گفت دائم در حیاطش چند تن مادام دارد  
از کد و مد لب مجنبنان پیش من، خامش نشین  
یار من زادالمعاد استو صحیفه کامله  
(فراهانی، ۱۳۸۶: ۱۷۶ / ۳۹۵)

گرچه جنگ آمد و مادام مُد و شیک نماند  
وز برای عمل نیک بدو نیک نماند  
(دستگردی، ۱۳۰۷: ۱۷)

ایرج میرزا واژه «دوئل» را در محتوای غنایی در مفهوم جدال با معشوق به کار برده است

من نه ترا بیهده ول میکنم      گر ندهی بوسه دوئل میکنم  
(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۰۳)

یا واژه راپورت در ابیات زیر از ایرج میرزا و بهار:

سبزه که جاسوس نباشد به باغ      دادن راپورت نداند کلاغ  
(همان: ۱۰۹)

حالیا وقت نداریم به دیدار و سلام      آنچه راپورت رسیده است بماند تا شام  
(بهار، ۱۳۸۷: ۱۶۳)

### کاربرد معادل فارسی و عربی واژه در مقابل واژه فرنگی

این گروه‌ها، واژه‌هایی هستند که وارد شعر شدند اما معادل عربی آنها بیشتر از واژه فرنگی رایج شد یا واژه فارسی موجود بود و در همان دوره مورد استفاده بیشتر شاعران قرار گرفت و واژه فرنگی شاخصه سبکی نیافت. از جمله واژه «سیاست»، «دولت»، «قانون» و «مجلس» است که قبل از مشروطه در شعر وجود داشتند اما در معنای غیرسیاسی به کار میرفتند و در این دوره تغییر معنا دادند. برای نمونه قانون در شعر این دوره همان قانون اساسی است

اشرف‌الدین گیلانی، یکبار واژه «زاکون» را در معنی قانون در بیت زیر کار برده است

هیچ رغبت به قانون ندارد      اعتنایی به زاکون ندارد  
(گیلانی، ۱۳۷۵: ۵۳۲)

اما این واژه نتوانست در شعر، پرتکرار شود. واژه دیگر «کمیساریا» در مفهوم اداره پلیس امروزی (نیروی انتظامی) است که یکبار در شعر ادیب‌الممالک فراهانی آمده است:

گفت در راپورت کمیساریا بنوشته‌اند      کاین جوان گفته‌است مستم ساغری ده ساقیا  
گفت این حکم آمد ز شورایعالی پیش ازین      گفت من نمیدانم بخوان راپورت کمیساریا  
(فراهانی، ۱۳۸۶: ۷۳۰)

واژه عربی «نظمیه» در آن زمان در مقابل کلمه «کمیساریا» استفاده شد و واژه فرنگی متروک گشت. مانند موارد زیر:

برو به مالیه تا آنکه چیزها بینی      برو به نظمیه تا آنکه چیزها بینی  
(عشقی، ۱۳۵۷: ۱۹۰)

برده‌ام نام تو در آن اشعار      شو به نظمیه و بگیر و بخوان  
(بهار، ۱۳۸۷: ۴۷۰)

که گمان داشت که این شور به پا خواهد شد      هر چه دزد است ز نظمیه رها خواهد شد  
(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۲۱۴)

همچنین واژه «شهربانی» در مفهوم «نظمیه» در این دوره کاربرد یافت که در شعر بهار آمده است

غافل از اینکه شهربانی هست      واقف از این فریب و این دستان  
نگذارد که ختم من گیرید      متفرق کند به زور آژان  
(بهار، ۱۳۸۷: ۴۷۰)

کلمه دیگر «طیاره» است که معادل واژه «هواپیما» در این دوره استفاده شد. کلمه هواپیما قبل از مشروطه در معنی «پیمودن هوا» به کار رفته است. بیت زیر از جویای تبریزی شاعر قرن یازدهم می‌باشد که این واژه را در مفهوم هواپیمودن آورده است.

ذره با بال سبک روحی هواپیما شده است      زیر کهسار گرانجانی نهان ما همچنان  
(جویای تبریزی، ۱۳۳۷: ۸۲۸)

در دوره مشروطه، وقتی واژه «ایروپلان» در معنی هواپیما استفاده شد، شاعران کمتر این واژه را استفاده کرده‌اند، نمونه در شعر زیر نسیم شمال آمده است.

خوش آن روزهایی که بودیم راحت      سخن از فرنگ و اروپا نمیشد  
چه خوش بود ایروپلان دسته دسته      به سوی هوا عرش‌پیما نمیشد  
(گیلانی، ۱۳۷۵، ۳۷۹)

برخی شاعران در مواجهه با این واژه، از زیبایی‌شناسی شعر فارسی کمک گرفتند مثلاً عشقی آن را «آهن‌پرنده» نامیده است (عشقی، ۱۳۵۷: ۴۰۵) بهار «مرغ آسمان‌پیمای» نامیده است (بهار، ۱۳۸۷: ۱۱۰۸) فرخی یزدی «آسمان-پیما» را به کار برده است (فرخی یزدی، ۱۳۸۰: ۷۴، ۱۹۴) اما در اغلب دیوانه‌ها، واژه «طیاره» رایج شد مانند موارد زیر

در فضای آسمان طیاره در دریا سرنگ      دشت و دریا ساختند از خون فشانی لاله رنگ  
(دستگردی، ۱۳۰۷: ۳۸۱)

بمب و فشنگ واگون واگون ز راه خاک      طیاره صف صف از طرف آسمان رسید  
(همان: ۱۱۶)

طیاره‌ها چو رعد خروشان فراز تل      عراده‌ها چو برق شتابنده در دمن  
(فراهانی، ۱۳۸۶: ۳۶۴)

کوه درکوه موتور بینی و طیاره و توپ      دشت در دشت سپه بینی و ترتیب نزال  
(بهار، ۱۳۸۷: ۵۵۷)

### تحولات واژه‌های اروپایی بعد از مشروطه

سرگذشت واژه‌هایی که در این دوره وارد زبان فارسی شد و در شعر شاعران مورد استفاده قرار گرفت از نظر ساختار، محتوا و تاریخ کاربردشان متغیر است. تحول آنها به سه صورت است.

### متروک شدن واژه

بخشی مهمی از واژه‌های دوره مشروطه، بعد از آن متروک شدند که در کلیت، موارد زیر را میتوان مهمترین دلایل آن معرفی کرد.

۱ این واژه‌ها از نظر محتوا، اغلب به محتوای مشروطه مربوط بودند و بعد از گذشت تاریخ، متروک شدند.

۲ واژه فارسی جایگزین آنها شد.

۳ مورد علاقه قرار نگرفتند.

بعضی واژه‌های مربوط به محتوای مشروطه با ترجمه لفظی مثل «کنستی توسیون» بعد از گذشت زمان به کلی از ساختار زبان فارسی حذف شد یا واژه‌هایی مثل «زیپلن» (کشتی هوایی) (گیلانی، ۱۳۷۵: ۲۰۷)، تورپیل (وسيله‌ای

که برای غرق کردن کشتی به کار میرفت)، (دستگردی، ۱۳۰۷: ۱۵۵) ذردنوت (کشتی جنگی) (همان: ۳۸۱) که به اقتضای جنگ جهانی در آن زمان شنیده میشد، بعد از آن در ساختار زبان فارسی دیده نمیشوند و معادل فارسی برای آن ساخته شده است. برخی واژه‌ها مثل واژه «آژان»، «ژاندرام»، «ژاندارمری»، «ژنرال»، «فزاق»، «مسیو»، «مادام» و القاب و اصطلاحات متعدد فرنگی اندکی در دوره پهلوی کاربرد یافت اما بعد از مدتی، با جایگزینی معادل فارسی یا عدم استفاده و عدم توجه از ساختار زبان فارسی حذف گردیدند. برخی واژه‌ها هم در همان دوره مورد علاقه اکثر شاعران قرار نگرفت. نمونه آن واژه فرانسوی «راندوو» میباشد که در معنای قرار ملاقات عاشقانه است. ایرج میرزا در بیت زیر یکبار استفاده است:

جمعه دیگر لب این سنگ جو باد میان من و تو راندوو  
(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۱۱)

یا واژه «توالت» در معنی آرایش کردن در این دوره وارد شعر شد، ادیب‌الممالک در بیت زیر این واژه را آورده است  
نُتر گشتن، توالت کردن پیران فرسوده فُکل بستن به گردن کودکان لوس لاسی را  
(فراهانی، ۱۳۸۶: ۳۰)

این واژه‌ها در دوره پهلوی با بسامد اندک در اشعار دیده شد، برای نمونه شهریار در بیت زیر هر دو واژه را به کار برده است

توالت تو مرا سخت رنجه میدارد بگو ترا به خدا با که رانده‌وو داری؟  
(شهریار، ۱۳۶۶: ۱: ۱۸۱)

واژه «راندوو» همان دوره متروک شد و واژه «توالت» نه در معنی آرایش بلکه در معنی دستشویی ماندگار شد البته امروزه واژه «میز توالت: میز آرایش» کاربرد قلیلی دارد.

واژه‌هایی مثل «آژان» (بهار، ۱۳۸۷: ۴۸۶)، (فرّخی یزدی، ۱۳۸۰: ۲۷۹) (گیلانی، ۱۳۷۵: ۴۸۲) که در همان زمان واژه دیگر «پلیس» یا واژه فارسی «پاسبان» مترادف آن رایج شده بود، در دوره پهلوی اندکی کاربرد یافت و سپس متروک شدند. یا واژه‌ای مثل واژه «اردنانس» (افسری که از سوی افسر ارشد به خدمت گماشته میشود) در این دوره مورد استقبال قرار نگرفت و یا شاعران آن را نشناختند، از شاعران، ایرج میرزا یکبار این واژه را استفاده کرده است.

مُخلصم بر رئیس نظمیه عاشقم بر پلیس نظمیه  
آن پلیسی که اردنانس شب است نه که در روز حامل حطب است  
(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۴۰: ۱۴۱)

برخی واژه‌ها با معادل‌یابی فارسی کنار رفت مثل واژه «ماژور» که در دوره پهلوی فرهنگستان واژه «سرگرد» را به جای آن تصویب کرد. ایرج میرزا در بیت زیر آن را به کار برده است

چند مه رفت ماژور حال آمد شستم از آمدنش حال آمد  
(همان: ۱۲۲)

### ماندگاری واژه با تغییر جزئی

واژه‌هایی با تفاوت اندک در ساختار زبان فارسی ماندگار شده‌اند. مثل واژه «بمباردمان» که به همین صورت در دوره مشروطه در شعر اشرف‌الدین گیلانی دیده میشود اما بعد از مشروطه به واژه «بمباران» تغییر یافت.

جهازات جنگی به آن شوخ و شنگی ز بمباردمان غرق دریا نمیشد  
(گیلانی، ۱۳۷۵: ۳۷۹)

واژه «کنسول» با تغییر ظاهری کلمه ماندگار شده است. در دوره مشروطه «کنسول» نوشته میشد مانند ابیات زیر از دستگردی و بهار اما فرهنگستان معادل کنسول را برای آن ثبت کرد.

پیک هندنبرگ زایلر قونسل ژرمن نژاد در صفاهان چون صفا تا رحل قدرت برگشاد  
(دستگردی، ۱۳۰۷: ۴۱)

روز در مسجد ریاکاری عبادت گستری نیمه شب گه در کلیسا گاه در قنسولگری  
(همان: ۳۴)

بلدی کاش بُدی پهلوی قونسولخانه تا ز یاران موافق نشدی بیگانه  
(بهار، ۱۳۸۷: ۱۶۵)

واژه «پارلمنت» نیز در همان دوره مشروطه به صورت «پارلمان» استفاده شد و واژه پارلمنت متروک گشت. یک مورد این واژه در دیوان ادیب‌الممالک آمده است

چو عالم نمودند هم این و بنت ز مکتب برفتند در پارلمنت  
(فراهانی، ۱۳۸۶: ۵۸۶)

#### ماندگاری واژه در زبان فارسی

بعد از مشروطه، واژه‌هایی که در حوزه سیاست، محتوای مشروطه و امور نظامی بودند، ماندگاری کمتری یافتند اما واژه‌هایی که در زندگی اجتماعی مردم وارد شدند، اغلب آنها در ساختار زبان فارسی رایج گشتند، تأثیر زبان اروپایی چنان بود که حتی برخی گیاهان یا وسایل که در آن دوره وارد ایران شدند، عنوان «فرنگی» دارند و امروزه استفاده میشوند مثل «نخود فرنگی»، «توالت فرنگی»، «گوجه فرنگی» که نام «فرنگ» بر روی آنها باقی مانده است. با اینکه با تأسیس فرهنگستان زبان فارسی، برای اکثر واژه‌های غربی، واژه معادل ساخته شد اما بسیاری از واژه‌ها تغییر نکردند و یا معادل آنها مورد استقبال قرار نگرفت. برخی با این نظر که «فارسی نکردن لغات خارجی هیچ زبانی برای استقلال ملی ما در بر نداشته است» (مؤمنی، ۱۳۵۷: ۱۷۶) استفاده از واژه‌های اروپایی را وقتی معادل دقیق و روشن فارسی نداشت، لازم و ضروری میدانستند. اغلب واژه‌ها نیز با استفاده متعدد جزوی از زبان فارسی تلقی گشته‌اند که صورت خارجی آنها مشخص نیست «برخی واژه‌های خارجی در زبان فارسی جای خود را به گونه‌ای باز کرده‌اند که تلاش برای تغییر آنها راه به جایی نبرده است» (نواب‌زاده شهیدی، ۱۳۹۳) خود فرهنگستان نیز معادل‌سازی برای برخی واژه‌های اروپایی را لازم نمیداند و گفته است این واژه‌ها اگر در میان عموم فارسی‌زبانان متداول باشد و در زبان مبدأ بسیط باشد و یا به گونه‌ای باشند که بتوان واژه‌سازی بر روی آن انجام داد با نظر متخصصان معادل‌یابی برای آنها ضروری نیست (فرهنگستان، ۱۳۸۸: ۲۲)

از جمله واژه‌های زیر با کاربرد امروزی در دوره مشروطه رایج شد و در زبان فارسی باقی ماند.

#### واژه ماکارونی

ما ملت مُفلس را نان ماکارونی گشت در سفره ایتالی کبک و بره بایستی  
(بهار، ۱۳۸۷: ۵۰۰)

### واژه «بانک»

اینهمه پول از کجا رسیده به این مرد کو      بسپارد به بانکهای عدیده  
(عشقی، ۱۳۵۷: ۲۱۹)

نه سر و کار به یک بانک مراست      نه به یک بانک یکی دانک مراست  
(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲۲)

### واژه «پلیس»

دزد دل رهن جان آمده در فرم پلیس      گشته از کنگره صلح جهان بنیان کن  
(دستگردی، ۱۳۰۷: ۱۵۵)

عمرها کنده پوستین پلیس      سالها خورده جیره سرباز  
(فراهانی، ۱۳۸۶: ۸۵۸)

چون بجستند خونیان زآنجا      سر پلیس و پلیس شد پیدا  
(بهار، ۱۳۸۷: ۶۵۴)

نهان به کوری چشم پلیس مخفی شهر      پی هلاکت خود هر شب انجمن دارم  
(قزوینی، ۱۳۸۱: ۱۸۲)

از مظالم پلیسی محو شد چو حق نویسی      متن نامه را دریدم نوک خامه را شکستم  
(فرّخی یزدی، ۱۳۸۰: ۱۸۷)

### واژه «دیپلم»

از «قوم» و بستگانش دیپلم باید گرفت      در خیانت داد هر کس امتحان فتنه را  
(فرّخی یزدی، ۱۳۸۰: ۷۳)

من که از مدرسه خارجه دیپلم دارم      از لب لعل تو امید تبسم دارم  
(بهار، ۱۳۸۷: ۶۷۱)

گرفته دیپلم طب از حسین بیگ بیطار      عمل نموده بسی در طویلۀ نواب  
(فراهانی، ۱۳۸۶: ۹۶)

صاحب دیپلم از کالج بزم افروزی      تربیت یافته در مدرسه کین توزی  
(دستگردی، ۱۳۰۷: ۱۵۶)

### واژه «پارتی»

شد زدست پارتی این مملکت بی‌بوی و رنگ      پارتی زد شیشه ناموس ایران را به سنگ  
پارتی آورد نام نیک ایران را به ننگ      پارتی بنمود ما را بنده اهل فرنگ  
(فرّخی یزدی، ۱۳۸۰: ۲۷۶)

پارتی زلف تو از بس که ز دلها دارد      روز و شب بی‌سبب عربده با ما دارد  
(قزوینی، ۱۳۸۱: ۷۶)

همچنین واژه‌هایی مثل: «بمب» (دستگردی، ۱۳۰۷: ۱۵۵)، «استکان» (استکان روسی) (فراهانی، ۱۳۸۶: ۶۳۶) «اسکناس» (گیلانی، ۱۳۷۵: ۱۳۷، ۳۷۹) (فراهانی، ۱۳۸۶: ۳۰) «کنفرانس» (بهار، ۱۳۸۷: ۳۱۰)، کنگره (دستگردی، ۱۳۰۷: ۱۲) «میل» (فرّخی یزدی، ۱۳۸۰: ۲۶۸)، «تابلو» (بهار، ۱۳۸۷: ۶۷۸)، «شیک» (قزوینی، ۱۳۸۱: ۱۳۸۱)

(۱۷۱) «رادیو» (بهار، ۱۳۷۸: ۲۶۷) «کاندید» (فرّخی یزدی، ۱۳۸۰: ۲۸۰) «کافه» (ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۴۸) «کراوات» (بهار، ۱۳۸۷: ۶۴)، «شیک» و «مد» (ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۲۳) «ماشین» (بهار، ۱۳۸۷: ۳۸۴) «پارک» (فرّخی یزدی، ۱۳۸۰: ۳۷۹) «لیدر» (قزوینی، ۱۳۸۱: ۱۶۵، ۱۸۳) «رستوران» (ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۷۹) «سینما» (بهار، ۱۳۸۷: ۲۳۱)، «هتل» (بهار، ۱۳۸۷: ۶۸۰)، «پرسنل» (ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲۳)، از این واژه‌ها هستند که در شعر دوره مشروطه فراوانی دارند.

### نتیجه‌گیری

با انقلاب مشروطه و تجددخواهی روشنفکران زمانه، راه برای ورود واژه‌های اروپایی (فرانسوی، روسی و انگلیسی) باز شد. شاعران آن دوره نیز با نگرش‌های مختلف و تفاوت سبکی به واژه‌های اروپایی نظر کردند، حاصل بررسی جایگاه و تحولات واژه‌ها در شعر این دوره و تأثیر آن بر زبان فارسی نشان داد: عملکرد شاعران در برابر این واژه‌ها، باعث تحول زبان فارسی شد و بسیاری از واژه‌های اروپایی را در زبان وارد کرد. واژه‌ها در دیوان همه شاعران آمده است، فقط ادیب پیشاوری و ادیب نیشابوری با گرایش به زبان کلاسیک، به کاربرد این واژه‌ها بی‌علاقه هستند. عارف قزوینی نیز در مقایسه با دیگر شاعران، واژه‌های ساده را با فراوانی کمتر استفاده کرده است. از شاعران فرخی یزدی، عشقی، ایرج میرزا، اشرف‌الدین گیلانی از ترجمه لفظی واژه‌هایی که معادل فارسی دارند، بیشتر استفاده کرده‌اند. این واژه‌ها در محتوای سیاسی مشروطه‌خواهی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد که بعد از مشروطه با تحولات محتوا و ساختار شعر، دیگر شاخصه سبکی ندارند اما در زبان فارسی تأثیر گذاشته‌اند. تحول آنها در سه مورد است، واژه‌هایی که محتوای مشروطه داشتند و با ترجمه لفظی همراه با معادل فارسی یا عربی به کار می‌رفتند، متروک شدند. با تأسیس فرهنگستان نیز اغلب واژه‌ها معادل‌یابی شد و واژه فرنگی آنها حذف گردید اما آن بخش از واژه‌ها که در زندگی اجتماعی مردم وارد شده بودند و اغلب واژه ساده بودند در ساختار زبان فارسی باقی ماندند و موارد اندکی نیز با تغییر جزئی ادامه یافتند.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر استخراج شده است. آقای دکتر رامین صادقی‌نژاد راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای حسن علیزاده بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر مریم محمدزاده به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از نشریه وزین «بهار ادب» اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی



منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را بر عهده میگیرند.

## REFERENCES

- Academy of Persian Language and Literature (2009) Principles and rules of word selection with descriptions and explanations, Tehran: Academy of Persian Language and Literature.
- Adib Neishabouri, (1988) The life and poems of Adib Neishabouri, by the efforts of Yadullah Jalali Pendari, with a speech by Mohammad Reza Shafiei Kadkani, Tehran: Bonyad
- Aref Qazvini, Abolqasem (2002) Diwan, to Mohammad Ali Sepanlou, Mehdi Akhot, Tehran: Negah.
- Arinpour, Yahya, (1993) From Saba to Nima, Volume 2, Tehran: Zovar.
- Azhand, Yaqoub (2004) Literary Modernism in the Constitutional Period, Tehran: Institute of Research and Human Sciences.
- Bahar, Mohammad Taghi (2008) Diwan of Poems, Tehran: Negah.
- Dastgardi, Vahid (1928), Vahid's book, supplement of Armaghan magazine, Tehran: Ferdowsi.
- Farahani, Adib-ul-Mamalek (2007) The life and poetry of Adib-al-Mamalek Farahani, Vol. 2, written and edited by Seyyed Ali Mousavi Garmaroudi, Tehran: Qadiani.
- Farkhi Yazdi, Mohammad (2001) Diwan, by Hossein Makki, Tehran: Naghah.
- Gilani, Ashrafedin Hosseini (Nasim Shamal) (1996) complete works, with an introduction by Ahmad Edarhe Chi Gilani, Tehran: Negah.
- Iraj Mirza (1974) research on the status, works, thoughts and poems of Iraj Mirza and her family and Ancestor, by Mohammad Jafar Mahjoub, Tehran: Andishe.
- Jadhari Karimian, Abbas (2011) "Constitution, a way to liberation, a speech on the meaning of the constitution and the influence of western intellectuals on Iranian intellectuals" Surah magazine, numbers 57 and 58: pp. 283-292
- Joya Tabrizi (1958) Diwan, Edited by Mohammad Baqer, Pakistan: Punjab University.
- Lahoti, Abolqasem (1979) Generalities of Abolqasem Lahoti, by Behrouz Moshiri, Tehran: Toka.
- Mirzadeh Eshghi (1979) illustrated complete works of Eshghi poems, authored by Ali Akbar Moshir Salimi, Tehran: Amir Kabir.
- Momeni, Baqir (1979) Iran on the eve of constitutional revolution and constitutional literature, Tehran: Sepideh, Shabahang.
- Nawabzadeh Shafiei, Sepideh. (2013). " An Investigation of Changes in Meaning and Application of French Loan-words in Persian" Language Science, Vol. 3: pp. 107-128

- Pishavari, Adib (1983) *Diwan of Persian and Arabic poems and sonnets*, by Ali Abdur Rasouli's, Tehran: Ma.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (1999) *Persian literature from the Jami era to our time*, translated by Hojatullah Asil, Tehran: Ney.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (2004) *Periods of Persian poetry until the fall of the monarchy*, Tehran: Sokhn.
- shahriar, Mohammad Hossein, (1987), *Complete Diwan Shahryar*, 2 vols., Tehran: Zarrein-Nagh.
- Zamardian, Reza (1994) *A dictionary of European words in Farsi*, Mashhad: Astan Quds Razavi.

### فهرست منابع فارسی

- آرینپور، یحیی، (۱۳۷۲) از صبا تا نیما، ج ۲ تهران: زوّار، ص ۱۲۲
- آژند، یعقوب (۱۳۸۴) تجدد ادبی در دوره مشروطه، تهران: مؤسسه تحقیق و علوم انسانی، صص ۷۳۷۴
- ادیب نیشابوری، عبدالجواد (۱۳۶۷) زندگی و اشعار ادیب نیشابوری، به کوشش یدالله جلالی پندری، با گفتاری از محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: بنیاد (وابسته به بنیاد مستضعفان)
- امینپور، قیصر (۱۳۸۴) سنت و نوآوری در شعر معاصر، تهران: علمی و فرهنگی، صص ۳۰۸ ۳۰۹
- ایرج میرزا (۱۳۵۳) تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او، به کوشش محمد جعفر محجوب، چاپ سوم، تهران: اندیشه.
- بهار، محمد تقی (۱۳۸۷) دیوان اشعار، تهران: نگاه.
- پیشاوری، ادیب (۱۳۶۲) دیوان قصائد و غزلیات فارسی و عربی، تعلیقان علی عبدالرسولی، تهران: ما
- جداری کریمیان، عباس (۱۳۹۰) «مشروطه، راهی به رهایی، سخنی در معنای مشروطه و تأثیر روشنفکران غربی بر روشنفکران ایرانی» مجله سوره، شماره ۵۷ و ۵۸: صص ۲۸۳ ۲۹۲
- جویای تبریزی (۱۳۳۷) کلیات جویا تبریزی با مقابله دو نسخه قدیمی و تصحیح و مقدمه و شرح حال، تصحیح محمد باقر، پاکستان: دانشگاه پنجاب
- دستگردی، وحید (۱۳۰۷) ره آورد وحید، ضمیمه سال نهم مجله ارمان، تهران: چاپخانه فردوسی
- زمردیان، رضا (۱۳۷۳) فرهنگ واژه‌های دخیل اروپایی در فارسی (همراه با ریشه هر واژه)، مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۹
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸) ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، ترجمه حجت‌الله اصیل، تهران: نی، صص ۷۶ ۷۵
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳) ادوار شعر فارسی تا سقوط سلطنت، تهران: سخن، ص ۴۰
- شهریار، محمد حسین، (۱۳۶۶) کلیات دیوان شهریار، ج ۲، تهران: زرین- نگاه.
- عارف قزوینی، ابوالقاسم (۱۳۸۱) دیوان، به محمدعلی سپانلو، مهدی اخوت، تهران: نگاه.
- عشقی، میرزاده (۱۳۵۷) کلیات مصور اشعار عشقی، تألیف علی اکبر مشیر سلیمی، تهران: امیرکبیر.
- فراهانی، ادیب‌الممالک (۱۳۸۶) زندگی و شعر ادیب‌الممالک فراهانی، ج ۲، نوشته و تنقیح سید علی موسوی گرمارودی، تهران: قدیانی.

فرخی یزدی، محمد (۱۳۸۰) دیوان اشعار، به کوشش حسین مکی، تهران: نگاه.  
فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۸) اصول و ضوابط واژه‌گزینی همراه با شرح و توضیحات، تهران: فرهنگستان  
زبان و ادب فارسی، ص ۲۲  
گیلانی، اشرف‌الدین (نسیم شمال) (۱۳۷۵) کلیات نسیم شمال، با مقدمه احمد اداره چی گیلانی، تهران: نگاه.  
مؤمنی، باقر (۱۳۵۷) ایران در آستانه انقلاب مشروطیت و ادبیات مشروطه، تهران: سپیده، شباهنگ، ص ۱۷۶  
نوابزاده شفیعی، سپیده. (۱۳۹۳). «بررسی تغییرات معنایی و کاربردی وام‌واژه‌های زبان فرانسه در فارسی» علم  
زبان، ش ۳: صص: ۱۲۸-۱۰۷

#### معرفی نویسندگان

**حسن علیزاده:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.  
(Email: [alizadeh13980@gmail.com](mailto:alizadeh13980@gmail.com))  
**رامین صادقی‌نژاد:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.  
(Email: [r-sadeghinezhad@iau-ahar.ac.ir](mailto:r-sadeghinezhad@iau-ahar.ac.ir): نویسنده مسئول)  
**مریم محمدزاده:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.  
(Email: [m-moammadzadeh@iau-ahar.ac.ir](mailto:m-moammadzadeh@iau-ahar.ac.ir))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the authors

**Hassan Alizadeh:** PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.  
(Email: [alizadeh13980@gmail.com](mailto:alizadeh13980@gmail.com))  
**Ramin Sadeghinejad:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.  
(Email: [r-sadeghinezhad@iau-ahar.ac.ir](mailto:r-sadeghinezhad@iau-ahar.ac.ir): Responsible author)  
**Maryam Mohammadzadeh:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.  
(Email: [m-moammadzadeh@iau-ahar.ac.ir](mailto:m-moammadzadeh@iau-ahar.ac.ir))